

سابقه پیدایش دین یهود

سابقه پیدایش دین یهود به حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، یعنی زمان تقریبی تولد حضرت موسی (ع) باز می گردد. تاریخ دقیق پیدایش این دین مشخص نیست، با این حال یهودیان، خود می پذیرند که ریشه آیین ایشان به زمان حضرت ابراهیم (ع) پیوند می خورد. از لحاظ لغوی واژه "یهودی گری" که در عهد جدید (انجیل) به چشم می خورد برای نخستین بار در حدود یکصد سال پیش از میلاد مسیح در ادبیات یونانی-یهودی برای معرفی دین عبری ها به کار گرفته شده و ظاهراً واژه ی دیگری که تمام تاریخ این دین را در برگیرد وجود ندارد. از نظر نژادی، یهودیان به اسامی "بنی اسرائیل" و "عبرانیان" نیز خوانده می شوند از نژاد "سامی" هستند. این مردم در نواحی شمال عربستان پرورش یافته و قرن ها در آن دشتهای بیکران روزگار می گذرانیده اند. در صحرای عریض و وسیع آن سرزمین، این قوم مانند سایر اقوام سامی در کنار واحه ها، هر جا که اندک آب و گیاهی یافت می شد خیمه زده و سپس از آنجا نقل مکان می کرده اند.

هر قبیله یک واحد جداگانه مستقل به خود بوده و امور معاش روزانه آن در تحت امر یک رئیس واحد و مقتدر یعنی پدر قبیله یا پدر عشیره قرار داشته است. این افراد بادیه نشین از نظر فرهنگی در سطح پایین قرار داشته و از نظر دینی نیز در حد ابتدایی بوده اند. احترام به سنگها یا عبادت احجار و ستون ها یا چیزهایی که به طور تصنعی تقدس یافته بودند، نظیر یک تابوت، اساس مذهب ایشان بوده است و با ظهور پیامبران بزرگ الهی در میان این قوم، نظیر ابراهیم (ع)، اسماعیل (ع)، اسحاق (ع)، یعقوب (ع) و دیگر پیامبران به تدریج عقیده ی توحید در میان قوم بنی اسرائیل به عنوان اساس مذهب به منصفی ظهور رسیده است در قرآن نیز نام تعدادی از انبیاء بنی اسرائیل ذکر شده است.

عالم دینی، پزشک و فیلسوف یهودی، موسی بن میمون (۱۱۳۵-۱۲۰۴ م) به آیین یهود لباسی نو پوشاند و سیزده اصل برای آن ترتیب داد، به این شرح:

۱. وجود خدا.
۲. یگانگی او.
۳. مجرد بودن او.
۴. نداشتن زمان.
۵. حکمت او در امور.
۶. عدالت.
۷. قابل تقرب بودن از راه عبادت.

اینها مربوط به خدا بود، اما سایر امور.

۱. اعتقاد به نبوت.
۲. برتر بودن حضرت موسی(ع).
۳. اعتقاد به آسمانی بودن تورات.
۴. عدم جواز نسخ احکام.
۵. آمدن مسیحای موعود.
۶. قیامت و جاودانگی نفس آدمی.

۱- خدا در یهودیت: یهودیت (مانند اسلام و مسیحیت) از آغاز بر توحید استوار شده است و همه انبیای یهود، از حضرت موسی(ع) تا انبیای پرشمار بعدی، با شرک مبارزه کرده اند. بدیهی است که پیروان ادیان توحیدی در مواردی از دین خود غافل می‌شوند و به گونه‌هایی از شرک روی می‌آورند. این مسأله هیچ گاه نظر پژوهشگران را نسبت به اصل این ادیان تغییر نداده است. آنان با قطع نظر از لغزشهای پیروان یک دین، از تحقیقات خود دانسته اند که ادیان دو گونه‌اند:

الف- ادیانی که مردم را از شرک بر حذر می‌دارند، مانند ادیان ابراهیمی.

ب- ادیانی که شرک را به مردم تعلیم می‌دهند، مانند ادیان شرقی.

نام خاص خدا در دین یهود **يَهُوَه** یعنی باشنده (موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی‌داند و گاهی در کتابهای علمی مغرب زمین، از باب احتیاط آن را بدون حرکت (YHWH) ثبت می‌کنند. اما گروهی از محققان برآنند که تلفظ حقیقی آن **يَهُوَه** است. هنگامی که معبد سلیمان بر پا بود، بالاترین مقام مذهبی یهود حق داشت سالی یک بار در روز عاشورای تقویم یهودی (دهم ماه تشری، در اوایل پاییز)، در قدس الاقداس آن معبد، نام **يَهُوَه** را بر زبان آورد و دعا کند. هنگام تلاوت تورات نام مزبور به ادونای به معنای آقای من تبدیل می‌شود و حرکات همین کلمه را روی آن می‌گذارند، از این رو گاهی آن را **يَهُوَه** ضبط کرده اند. یکی دیگر از نامهای خدا **إِله** / **إِله** است به معنای هستم آنچه هستم. این نام در سفر خروج ۱۴:۳ و در برخی ادعیه اسلامی (مانند دعای شب عرفه) آمده است و بر اثر نسخه برداری افراد کم اطلاع، به **آهیه** / **شَهِیه** تبدیل گردیده است.

۲- **ظهور انبیا:** یهودیان به نبوت معتقدند و در مورد آن بحثهای کلامی گسترده‌ای دارند. همچنین برای نبوت معنای ویژه‌ای قائلند که پیشگویی است و پیامبران بزرگی همچون *إِسْعَیَا، اِرْمِیَا، حَزَقِیَال* و هوشع به عنوان نبی یعنی پیشگو شهرت دارند.

پیامبران بسیاری در کتاب عهد عتیق مطرح شده‌اند. ۲ اشعیا، ارمیا و عاموس بایانات شیوای خود به بنی اسرائیل هشدار می‌دادند و آنان را از عاقبت کارهای زشت و ناروایشان بر حذر می‌داشتند و متذکر می‌شدند که اسارت ذلت باری در پیش دارند. اما آنان به این گفتارها کمترین توجهی نمی‌کردند و از سوی دیگر به قتل و حبس و آزار پیامبران خود کمر می‌بستند. هفده کتاب پایان عهد عتیق که کتابهای نبوت نام دارد، مشتمل بر این پیشگویی‌هاست.

از ۲۶ پیامبر مذکور در قرآن کریم ۲۰ تن به اهل کتاب مربوط می‌شوند: آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، داوود، سلیمان، الیاس، الیسع، عَزِیر (عَزْرَا)، ایوب، یونس، زکریا، یحیی و عیسی.

از آن انبیا ۶ تن به اهل کتاب ربطی ندارند: ادریس، (مگر به نام اَخْنُوخ در سفر پیدایش ۵: ۲۴)، شعیب (مگر به نام رَعُوئیل در سفر خروج ۲: ۱۸ یا به نام یَترون در سفر خروج ۳: ۱)، ذوالکِفَل، هود، صالح و محمد.

حکومت بنی اسرائیل: پس از حضرت موسی (ع)، حضرت یوشع بن نون به امر خدا به رهبری قوم برخاست. وی از رود اردن که از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است، گذشت و بلاد کنعان و حدود آن را فتح کرد. به ادعای عهد عتیق سکنه بومی آن مناطق قتل عام شدند و آن سرزمین به بنی اسرائیل اختصاص یافت. جریان این جنگها در ششمین کتاب عهد عتیق، به نام صحیفه یوشع موجود است. پس از یوشع (ع) مردان بزرگی در بنی اسرائیل به رهبری مردم اشتغال داشتند که داوران بنی اسرائیل نامیده می‌شوند. آنان عموماً سمت پیامبری یا پادشاهی نداشتند. تاریخ این رهبران در سفر داوران آمده است. آخرین داور بنی اسرائیل حضرت سموئیل (ع) دو پسر داشت که شایستگی رهبری قوم را نداشتند. از این رو، مردم از آن حضرت درخواست کردند که پادشاهی برای آنان برگزیند. در واقع بنی اسرائیل در آن زمان پادشاهی نداشتند. سموئیل پس از اصرار زیاد مردم، از طرف خدا جوانی را به پادشاهی آنان نصب کرد.

نخستین پادشاه بنی اسرائیل حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد و نام این پادشاه در عهد عتیق (کتاب اول سموئیل، باب ۹ به بعد) شائول و در قرآن کریم طالوت است (بقره: ۲۴۷). پس از انتخاب نخستین پادشاه، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهمترین قهرمان این قوم **جُلَیَات** بود که در قرآن کریم **جالوت** نامیده شده است. وی به

دست حضرت داوود (ع) کشته شد و لشکر وی گریخت. حضرت داوود جانشین حضرت طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ سال قبل از میلاد) و حضرت سلیمان به جای پدرش داوود (ع) نشست و مهمترین و با شکوهترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم (یعنی شهر سلامت) ساخت که به نام هیکل سلیمان معروف شد (هیكل در زبان عبری به معنای ساختمان بلند است). این معبد بعداً یک بار حدود ۵۸۷ ق.م. به دست بُخْتَنْصَر و با دیگر در سال ۷۰ م. به دست شاهزاده رومی، تیتوس (Titus) خراب شد.

پس از رحلت حضرت سلیمان (ع)، فرزندش رَحْبَعَام زمام امور مملکت بنی اسرائیل را در کف گرفت و چون به ستمکاری پرداخت گروهی از مردم از فرمان او بیرون رفتند و تنها دو سبط یهودا و بنیامین در سرزمین یهودا/ به نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب) که بخش نسبتاً کوچکتري بود، برای او باقی ماند. این قسمت که شامل شهر اورشلیم (قدس) نیز می‌شد، اهمیت بسیاری داشت و نام «یهودی» از اینجا می‌آید. ده سبط دیگر، حکومت مستقلی به نام اسرائیل به رهبری فردی به نام یَرَبْعَام بن ناباط در شمال فلسطین تشکیل دادند. یَرَبْعَام یکی از استانداران حضرت سلیمان (ع) بود.

تجزیه کشور مبدأ ضعیف و بدبختی آنان بود. پادشاهان یهودا و اسرائیل نیز عموماً گنهگار بودند و مردم را به گناه و بت پرستی دعوت می‌کردند.

اسارت بابل: به هر حال پیشگوییهای انبیای بنی اسرائیل تحقق یافت و پس از چندی آشوری‌ها که در شمال بابل در عراق و سوریه کنونی حکمرانی داشتند و پایتخت آنان شهر نینوا بود به اسرائیل تاختند و عده کثیری را به اسیری بردند. چند سال بعد، پادشاه بابل بُخْتَنْصَر که در عهد عتیق نَبوگَدْنَصَّر (یعنی بت «نِبو» تاج را نگهداری می‌کند) نامیده می‌شود، به اورشلیم حمله کرد و مردم یهودا را کشت و عده ای را به اسارت به بابل برد که تا مدتی طولانی در آنجا بودند. اسیر شدن مردم اسرائیل و یهودا موجب پراکندگی آنان در خاورمیانه و سرزمینهای دیگر شد. این اسارت اهمیت ویژه ای داشت، زیرا گروهی از مردم اسرائیل نیز که در حمله پیشین توسط آشوریها از اسارت معاف شده بودند، در این یورش همراه با ساکنان یهودا به بابل کوچ داده شدند. این موضوع "جلای بابل" نامیده می‌شود.

یهودیان در زمان اسارت، برخی آداب و اخلاق مشرکان را پذیرفتند و کمتر کسی در بین آنان از جلای وطن و اسیری و دشواری پرستش خدا رنج می‌برد.

باید توجه داشت که انحصار طلبی و خود بزرگ بینی خوی و خصلت جدا نشدنی قوم کوچک یهود است و سایر اقوام جهان در واکنش به این صفات، با یهودیان از در دشمنی و ستیز درآمده و به تحقیر آنان پرداخته‌اند.

شاید نخستین ویرانی شهر قدس و گرفتار شدن بنی اسرائیل به دست بابلیان در حدود شش قرن قبل از میلاد نیز به همین علت بوده است. اِرمیای نبی از جانب خدای متعال پیام آورده بود که بنی اسرائیل نباید در برابر آن دشمن مقاومت کنند. ایشان این پیام را به چیزی نگرفتند و آن پیامبر رازندانی کردند. پس از سقوط شهر قدس، اِرمیا آزاد شد (ارمیا ۳۹ : ۱۴).

تجدید معبد: هنگامی که کورش (یعنی خورشید) بنیانگذار سلسله هخامنشی، بابل را فتح کرد، یهودیان آزاد شدند و اجازه بازگشت به سرزمین خود را یافتند. اما بسیاری از آنان حاضر نبودند بابل را ترک کنند و در بابل و اطراف آن پراکنده شدند. اعلامیه کورش در مورد آزادی یهود حدود سال ۵۳۸ ق.م. صادر شد. کورش با این کار میان یهود محبوبیت زیادی به دست آورد.

گروهی از یهودیان نیز به فلسطین بازگشتند و به بازسازی شهر قدس آغاز کردند. در آن دوران همسایگان آن سرزمین احساس خطر کردند و مانع بر پایی یک حکومت مقتدر یهودی بر خاک فلسطین شدند. پس از آن حکومت‌های ناتوانی در مناطق مختلف فلسطین برپا شد و پس از چند قرن آشفتگی، شهر قدس برای بار دوم به دست رومیان ویران شد و این ویرانی، یهودیان را در جهان پراکنده ساخت. از آن پس یهودیان در کشورهای بیگانه زندگی سختی را می‌گذارند و انواع خواری و سرکوفتگی را در جسم و جان خود می‌چشیدند.

پیدایش کنیسه: پس از بازگشت یهود از بابل، جامعه دینی نظام تازه ای یافت و معابدی ساخته شد که بعداً کنیسه (synagogue) نامیده شد. این معابد مانند سایر معبدها معماری خاصی داشتند و در آنها قربانگاه و اماکن ویژه دیگری وجود داشت. هم اکنون نیز معبد یهودیان کنیسه نامیده می‌شود. قبله یهود معبد سلیمان (مسجد اقصی) است؛ فقط سامریان قبله را کوه جرزیم در نزدیکی شهر نابلس می‌دانند. آنان روزی سه بار نماز می‌خوانند: نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. در صورتی که دست کم ده مرد در در کنیسه وجود داشته باشد، نماز برگزار می‌شود و در این حال یک نفر که معمولاً پیرتر از سایرین است و عبری را خوب می‌داند، جلو می‌ایستد و قسمتهایی از تورات یا دعاهایی به عبری می‌خواند و در مواردی رکوع می‌کنند. معروفترین عبارتی که خوانده می‌شود، شَمْع (یعنی بشنو) نام دارد که از تورات گرفته شده است: (۴) ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است (۵) پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما (تثنیه ۶ : ۴-۵)

تأثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی: یهودیان نیز مانند سایر اقوام تحت تأثیر محیط قرار داشتند و پس از تماس با برخی تمدنهای باستانی، خواسته یا ناخواسته، بسیاری از مفاهیم و اعمال آنها را وام گرفتند،

ولی باید توجه داشت که آنان پیوسته و در تمام موارد، مسائل یاد شده را به رنگ اخلاقیات توحیدی خاص خویش در می‌آوردند. مثلاً داستان طوفان نوح، خواه از بابلیها اقتباس شده باشد یا نه، آن گونه که در سفر پیدایش آمده است، از خدای واحد، مهربان و درستکار سخن می‌گوید. این داستان به‌داستان پرنه‌نیشتم (Per-napishtim) که روی الواح میخی حک شده است و علاوه بر شرک صریح، خدایانی خودخواه، ستیزه‌جو، احساساتی و حسود را مطرح می‌کند، چندان شباهتی ندارد. این تمایز در سایر داستانها و قوانین و باورهای که گفته می‌شود یهود از اقوام دیگر اقتباس کرده اند، نیز مشهود است. در تورات تقریباً ذکری از قیامت نیست (مگر یکی - دو اشاره مبهم، مثلاً تثنیه ۸: ۱۶). از نظر تورات (لاویان باب ۲۶ و تثنیه باب ۲۸) دینداری و بی دینی در جلب نعمتهای این جهان و سلب آنها تأثیر مستقیم و قطعی دارند. از سوی دیگر، کتاب تلمود از قیامت بسیار سخن گفته است.

یکی از باورهای اصیل یهودیت که به تصور پژوهشگران، از بیگانگان گرفته شده، اعتقاد به رستاخیز مردگان است. این اعتقاد با آرمان مسیحایی گره خورده و چیزی مانند اعتقاد به رجعت را پدید آورده است. ایرانیان باستان می‌گفتند در زمان آینده، پس از آنکه آهورمزدا بر همورد خود اَنگرومینیو پیروز شود و او را نابود کند، مردگان برخوانند خاست، ولی شکل عالی و معنوی این آموزه دستاورد اصیل الهامات یهود است و با اعتقاد خشک و بی روح مغان ایران زمین شباهتی ندارد. به گفته پژوهشگران، اعتقاد به جاودانگی روح از قدیم میان نی اسرائیل وجود داشته و در چندین مورد از کتاب مقدس بدان اشاره شده است، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل، با عقیده به جاودانگی قوم و قیام مسیحا پیوند خورد و اعتقاد به رستاخیز مردگان را پدید آورد. این نظریه باقرآن مجید تعارض دارد، زیرا از داستان برانگیخته شدن حضرت موسی(ع) در اوایل سوره طه بذروشنی می‌فهمیم که اعتقاد به رستاخیز در نخستین پیام او وجود داشته است. ۳

۴- **انتظار ظهور مسیحا:** اندیشه انتظار مسیحا ماهیتاً یهودی است. اقوام عصر قدیم، بر اثر نومیادی از وضع موجود و بی توجهی به آینده، به گذشته خویش می‌بالیدند و کمال شادکامی اجتماعی و ملی را در آن می‌دیدند. گونه‌ای از این گذشته گرایی را چکامه سرایان یونانی و رومی، هزیود (Hesiod) و وید (Ovid) ماهرانه ترسیم و توصیف کرده اند. این دو تن برای جهان پنج دوره و پنج نژاد پیاپی قائل شدند و گفتند: انسانها در نخستین دوره عصر که عصر زرین نامیده می‌شود، شادمان و به دور از درد و رنج، بی کشت و کار از محصولات زمین بهره می‌بردند. مردن ایشان نیز به شکل خواب بی رویایی بود که طی آن به بزم فرشتگان نگهبان جهان پر می‌کشیدند. در سوی دیگر این طیف، واپسین دوره یا عصر آهنین وجود داشت که از همه آشفته‌تر بود و آن دو چکامه سرا در آن دوره روزگار می‌گذرانند.

یهودیان نیز به عنوان قومی دیندار و معتقد به اینکه جهان را موجودی خوب و کامل آفریده است، کمال را آغاز آفرینش قرار می‌دادند و می‌گفتند نخستین انسان که مستقیماً به دست خدا آفریده شده است، لزوماً باید کامل و کامروا باشد. با این وصف، یهودیان کامیابی و فضیلت را نه دردوران طلایی گذشته، بلکه در آینده و واپسین روز می‌جویند. این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج بود: «اگر چه ابتدایت صغیر بود، عاقبت تو بسیار رفیع می‌گردد». (ایوب ۸ : ۷).

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند. شخصیت مورد انتظار، **ماشیح** (مسح شده) خوانده می‌شد. ماشیح لقب پادشاهان بنی اسرائیل بود، زیرا براساس یک سنت، پیامبران در حضور جمع، اندکی روغن بر سر آنان می‌مالیدند و بدین شیوه قداست برای ایشان پدید می‌آمد. این لقب در زمانهای بعد به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شد.

دل‌های بنی اسرائیل از عشق به مسیحای موعود لبریز بود و در مقابل، حاکمان ستمگر همواره در کمین چنین رهبر رهایی بخشی بودند. در باب دوم انجیل متی می‌خوانیم که هیرودیس کبیر، پادشاه فلسطین پس از زاده شدن حضرت عیسی در صدد قتل او برآمد، اما چون وی را به فرمان الهی به مصر بردند خطر را از سر گذارند. واژه فارسی «مسیحا» از روی کلمه عبری «ماشیح» با توجه به تلفظ لاتینی آن (Messiah) ساخته شده است.

مهمترین مؤده مسیحایی در کتاب اشعیا نبی آمده است:

(۱) نهالی از تنه یستی (پدر داوود) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت (۲) و روح خداوند بر او قرا خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند. (۳) خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش تنبیه نخواهد نمود (۴) بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت (۵) کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت (۶) گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم طفل کوچک آنها را خواهد راند (۷) گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاوگاه خواهد خورد (۸) و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده و دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت (۹) و

در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می پوشاند (اشعیا ۱۱: ۹-۱)

شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت و مسیحیت موج می زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رها کند و فرمانروای جهان گرداند.

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. در این میان حضرت عیسی بن مریم (ع) ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد، ولی بیشتر یهودیان او را رد کردند.

در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد بر آمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونستی را مخالف آرمان مسیحیایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی سواد اعظم یهودیت آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته اند. هم اکنون صهیونیستهای اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحیایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایّار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.

غلبه رومیان و انقراض یهود: پس از نوسازی اورشلیم مستقر شدن یهودیان در آن مشکلاتی پدید آمد و مبارزه با پادشاهان ستمگر و بت پرست سوریه آغاز شد جنگهای مکابیان با استعمارگران سوریه به پیروزی یهود انجامید که در کتابهای اپوکریفا شرح داده شده است.

در این دوران غالباً بنی اسرائیل زیر فرمان مشرکان بودند و ظهور حضرت مسیح (ع) نیز در همین دوران بود که شرح آن به طور مفصل خواهد آمد. همچنین در این عصر احکام و قوانینی از طرف علمای یهود صادر می شد و نمایندگان دول استعمارگر فرمان می راندند. علمای یهود در مجمعی به نام سنهترین اجتماع می کردند و درباره امور مذهبی تصمیم می گرفتند ۴.

ویرانی اورشلیم و آوارگی یهود: در سال ۷۰ م. تیتوس، پسر امپراطور روم، اورشلیم را محاصره و ویران کرد و مردم بیشماری را از دم شمشیر گذراند؛ وی سנהدرین را نیز از بین برد.

پس از این حادثه، یهودیان در کشورهای مجاور در اروپا و آفریقای شمالی پراکنده شدند و با گذشت زمان عده ای به مدینه منوره که یثرب می شد، رفتند و در آنجا سکنی گزیدند. به گفته منابع اسلامی، انگیزه این گروه از یهودیان در انتخاب مدینه برای سکونت، انتظار مقدم مبارک حضرت محمد رسول خاتم (ص) بود. بعد ها، در عصر خلیفه دوم، مسلمانان، شهر قدس را با مذاکره از مسیحیان تحویل گرفتند. به نوشته طبری (در حوادث سال ۱۵ هجری) مسلمانان هنگام تحویل گرفتن قدس، در صلح نامه خود در برابر مسیحیان متعهد شدند که هیچگاه به یهودیان اجازه سکونت در آن شهر را ندهند.

کتابنامه:

۱. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، انگلستان، انجمن بین المللی کتاب مقدس، ۱۹۹۵.
۲. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵.
۳. رامیار، محمود، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، تهران.
۴. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
۵. کتاب مقدس، لندن، ۱۹۰۴.
۶. گهن، ای، گنجینه ای از تلمود، تهران، ۱۳۵۰.
۷. گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
۸. مصطفوی، علی اصغر، اسطوره قربانی، تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۹.
۹. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۰. هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۱. هیوم، رابرت ای، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
12. Arberry, A.J. (ed.) Religion in the Middle East, Cambridge: Cambridge University Press, 1969.
13. Epstein, I. (tr.), The Babylonian Talmud, London: The Soncino Press, n.d.
14. Epstein, Isidor, Judaism: A Historical Representation, Middlesex, England: Penguin Books, 1974.

۱. ابوالبختری وهب که در آغاز عصر بنی العباس به جعل حدیث اشتغال داشت. در یکی از احادیث ساختگی خویش، یاهو را اسم اعظم خدامعرفی کرد و این امر به مذاق صوفیان خوش آمد و آن را ترویج کردند.
- رکیب «یاهو» از نظر دستور زبان عربی کاملاً غلط است و از يَهُوه اقتباس شده است. یهو و یا هو نام برخی از بتهای خاور میانه قدیم بوده است.
۲. نام برخی از این پیامبران در دعای ام داوود که در روز پانزدهم ماه رجب خوانده میشود، آمده است.
۳. چنان که در تأسیس یهودیت گذشت.
۴. کلمه سنهدرین از واژه یونانی «سیندریون» به معنای مجمع می آید.